

باسمه تعالی

روز اول:

ساعت ۷:۱۰ به خط مولوی رسیدیم و منتظر دوستم شدم. ساعت ۷:۲۰ هم به خیابان مولوی رسیدیم. بیرون از مترو در گوشه **خیابان**

مردی کارتون خواب را دیدم که گوشه خیابان خوابیده بود و یکی دیگر هم کنارش بود که در حالت نشسته خوابیده بود.

بافت خیابان مولوی قدیمی است و مغازه های اکثر اونجا مربوط به مواد غذایی و خشکبار میشن. آنجا بازار خوارو بارفروشی است که محل تردد کارگرا است. در آن موقع صبح بعضی از کامیون ها یا ماشینهای وانت جلوی مغازه ایستاده بودند و جنس خالی میکردند.

در سر یکی از کوچه ها دو مرد را دیدیم که با توجه به ظاهرشان به نظر می آمد که معتاد باشند که لباسها و **موهای نامرتب و کتیفی با**

صورتی سیاه داشتند.

خیابان یک طرفه است و دارای خطوط ویژه اتوبوس بی آر تی است که با سرعت زیاد از دور طرف حرکت میکنند و کسی که بخواد از ضلع غربی به آن سمت خیابان بیاید ، باید از خیابان دو طرفه عبور کند. خط عابریاده در جلوی مدرسه کشیده شده است. ماشین ها

و خطوط اتوبوس های بی آر تی و **موتورسوارها با سرعت زیاد از دو طرف می آیند.**

سر راه دوستم به مغازه رفت و یک کیک و شیر کاکائو خریدم. دو بانک ملی و و بانک شهر هم در ضلع غربی خیابان مولوی قرار دارد.

ابتدا وقتی وارد کوچه قفلسازان شدیم، دیوار مدرسه ای که نقاشی شده بود را دیدم. با دیدن مدرسه خدارو شکر کردم که زود پیداش کردیم ولی بالای درمدرسه ، اسم مدرسه ابتدایی نوشته شده بود! خانمی که داشت از ته کوچه به سمت ما می آمد آدرس را از او پرسیدیم. مدرسه حانمی در خیابان مولوی واقع شده است. سمت راست مدرسه ، مدرسه ابتدایی ایران است و سمت چپ آن مسجد بینائی قرار دارد. وقتی از جلوی مدرسه ابتدایی رد شدیم، والدین جلوی در ایستاده بودند و منتظر بودند تا بچه ها به داخل بروند.

با ورودمان به حیاط بچه ها در حیاط منتظر خوردن زنگ بودند و عده ای بر زمین نشسته بودند و عده ای هم در صف خود ایستاده بودند. از کنار آنها گذشتیم و به سمت ساختمان اصلی رفتیم. بعد از اینکه مدیر را دیدیم. او معرفی نامه و کارت شناسایی مان را دید و

توضیح دادیم که برای کارآموزی آمدیم . او هم با لبخند ما را به سمت دفتر دبیران راهنمایی کرد. از مدیر اجازه خواستیم تا از مدرسه

عکس بگیریم و او جواش مثبت بود.

من و محدثه با وجود استرسی که داشتیم به دفتر دبیران رفتیم. دبیران با رفتار خوب و احترام با ما برخورد کردند طوری که به من

احساس آرامش دست داد. تقریباً همه دبیران آمده بودند و پشت میزها نشسته بودند و با همدیگر حرف میزدند. یکی از دبیران وقتی

وارد دفتر شد با همه دست داد و سلام و احوال پرسی کرد حتی با ما هم دست داد و صبح بخیر گفت. دبیر هنر روحیه ی خیلی شادی داشت . وقتی وارد دفتر شد قبل از آن که به سرکلاس برود ، موهایش را شانه کرد و روسریش را عوض کرد.

دانش آموزان در حیاط مدرسه صف تشکیل داده بودند و قرآن توسط یکی از دانش آموزان خوانده میشد. در طول مدت زنگ کلاس ، من و محدثه رفتیم مشاهده را از حیاط شروع کردیم و سپس به سمت راهروها و طبقات رفتیم.

موقعیت مدرسه

مدرسه در ضلع شرقی خیابان مولوی قرار دارد. در ورودی ، کرم رنگ است که شامل دو درب میشود. یکی درب کوچک تقریباً به اندازه عرض ۱ متر و طول ۲/۵ است. درب کوچک باز است و حتی در ساعات غیر از آمدن و تعطیلی دانش آموزان باز است. در ،

[1 Comment] : موقعیت بیرون مدرسه. آدمها

[2 Comment] : موقعیت بیرون مدرسه، مغازه ها

[2 Comment] : موقعیت بیرون مدرسه. آدمها

[5 Comment] : موقعیت بیرون مدرسه. وضعیت عبور و مرور

[6 Comment] : مدیر مدرسه. تعامل با کارورز

[6 Comment] : مدیر مدرسه. همکاری با کارورز

[7 Comment] : احساسات کارورز در روز اول

[8 Comment] : دبیران. تعامل با کارورز

[9 Comment] : احساسات کارورز

[10 Comment] : ارتباط خاص یک دبیر با سایر دبیران

برای رفت و آمد دانش آموزان کوچک است که تقریباً دو نفر میتوانند از آن رد شوند و دیگری درب ماشین رو است به اندازه ۳ در ۳ است. که آن در بسته است. بالای درها میله هایی قرار دارد که از بیرون، قسمت بالایی ساختمان اصلی دیده میشود. **تابلوی مدرسه:** بالای سر آن، تابلوی بزرگ مستطیل شکلی تقریباً به عرض ۱ و طول ۴ است که زمینه آن صورتی است و با رنگ قرمز نوشته شده " دبیرستان ..." و در زیر آن با خط ریزتری نوشته شده " نوع مدرسه: دولتی - دوره اول - سال تاسیس: ۱۳۳۸ "

حیاط مدرسه: مستطیل شکل و اندازه آن تقریباً ۲۲ در ۲۵ متر میباشد. در وسط آن، تور والیبال و خط کشی هایی به رنگ سفید زده شده است و دو طرف زمین دارای دو دروازه توری فوتبال است و بالای آن هم سبد بسکتبال قرار دارد که دور میله ها با فوم پوشانده شده است. کف حیاط با آسفالت پوشیده شده است.

[S Comment 11]: حیاط مدرسه. امکانات ورزشی

بوفه: در ضلع جنوب شرقی قرار دارد و در کنار خانه سرایدار است. دارای یک پنجره مستطیل شکل کوچک است که اندازه آن تقریباً طول ۱ و عرض ۱،۲۵ سانت است. بر روی آن ۵ میله میخورد که بچه ها موقع خریدن تغذیه یا باید دست خود را داخل میله بکنند یا از زیر میله که تقریباً ۲۰ سانت است دست خود را به داخل میبرند. تغذیه های داخل بوفه شامل: شیرکاکائو، کیک، پاستیل، بستنی و... موجود است.

[S Comment 12]: حیاط مدرسه. بوفه.

موقع زنگ تفریح به دلیل کوچک بودن پنجره، باعث میشود دانش آموزان در جلوی بوفه جمع شوند و فقط دست سه چهار نفر داخل میشد و ممکن است دست آنها آسیب ببینند. در هم بوفه یک طرفش شیشه ندارد. در ضلع جنوب غربی، سرویس بهداشتی است دارای نمای آجری و سنگی که به جای در و پنجره از نایلون استفاده شده و کنار آن نزدیک باغچه، یک آبخوری است.

[S Comment 13]: بوفه. نحوه ارتباط

سرویس بهداشتی:

دارای دو پنجره و دو درب ورودی است. در سمت چپ نزدیک درب دوم، یک فرورفتگی ای تقریباً ۹ متری است که منتهی میشود به یک آبخوری که بالای آن نوشته شده بود "آبخوری دانش آموزان پیام انقلاب." دستشویی دارای ۱۳ سرویس، ۶ روشویی که بعضی از شیرهای آب آن چکه میکرد و دارای دوربین مدار بسته است که در سمت راست در سقف تعبیه شده است و تصویری از آن بر نمیدارد و به نظر خراب می آید. در سمت راست درب اول یک آبخوری هم بیرون قرار دارد.

[S Comment 14]: سرویس بهداشتی. خرابی

ساختمان:

از حیاط که به ساختمان مدرسه نگاه میکنم ، ساختمان نو است. با آجرهای سه سانتی به رنگ قهوه ای است و چهار ستون دیده میشود. از حیاط ۳۰ پنجره بعضی باز و بعضی بسته دیده میشود . در جلوی ساختمان یک میله به اندازه ۳ متر قرار دارد که بر روی آن پرچم جمهوری اسلامی ایران نصب شده است. اندازه پرچم حدوداً ۱۱ در ۲ است با ظاهری نو و پارچه ای معمولی است.

ساختمان با همکف ۴ طبقه است که دانش آموزان مدرسه پیام انقلاب که مدرسه آنها در دست تعمیر است ، موقتاً در مدرسه شهید حاتمی در حال تحصیل هستند که در پایه های هفتم و هشتم دوره اول متوسطه هستند. ورودی آن به سه پله میرسد که به یک راهروی بزرگ میرسد که به عنوان سکو ه ماز آن استفاده میشود و مراسم های صبحگاهی و مراسم های دیگر را بر روی آن اجرا میکنند. بر روی سکو تعدادی گلدون های طبیعی بزرگ دیده میشود و یک میز مستطیل شکل که روی آن پارچه مشکی رنگ و دو شمع است قرار دارد.

در راهروی ورودی به ساختمان، روی دیوارهای آن کاغذ و مقوایی با محتوای فرهنگی، آموزشی مانند: جدول بندی قرآن و نهج البلاغه و مداحی، مسابقه ، برنامه صبحگاهی و...وجود دارد.

کنار در ورودی منتهی به ساختمان اصلی، یک صندوق پیشنهادات آهنی کوچک است که نو به نظر میاید و تمیز است. ارتفاع آن از زمین تا صندوق تقریباً ۱۶۰ سانتی متر است و بچه ها دستشان به آن میرسد و میتوانند نامه های خود را داخل آن بیاندازند. در صندوق اهرمی است و طوری است که اگر بچه ها دست خود را داخل آن بکنند نمیتوانند نامه های انداخته شده را بردارند.

در سمت چپ دیوار آن نوشته ای است با کاشی های آبی رنگ که شناسنامه مدرسه بر روی دیوار بود.

راهروی اصلی :

وقتی وارد ساختمان شدم با یک راهروی مستطیل شکل روبه رو شدم . از سمت چپ درب ورودی، دفتر مدیریت است که روبه روی آن آبدارخانه و سرویس بهداشتی است .

در سمت چپ راهرو دفتر اجرایی و روبه روی آن اتاق تکثیر است. در ته راهرو سمت چپ نمازخانه و در سمت راست دفتر دبیران قرار دارد. در وسط راهرو هم پله هایی است که به طبقات بالا و کلاسها میرسد که در مجموع ۱۱ کلاس وجود دارد. در زیر راه پله وسایلی قرار دارد که روی آن پارچه سبز رنگی زده شده و نوشته هایی از محرم به روی آن نصب شده است.

در وسط آن ، دو ستون قرار دارد که کنار ستون سمت راستی یک کمد شیشه ای چهار طبقه ای از لوازم و التحریر و لوازم بهداشتی و غیره است که برای جایزه و تشویق دانش آموزان است. شامل : دفتر خاطرات، گیره مو ، تراش و مداد ، شانه ، دفتربادداشت و صابون و برجسب پفکی...وجود دارد و بر روی هر یک از آنها امتیازاتی که باید دانش آموزان کسب کنند نوشته شده است.

[S Comment ۱]: شبیه های تشویق دانش آموزان

با ورود دبیران به دفتر هر کدام با لبخند وارد شدند و به همدیگر خسته نباشید گفتند و پشت میزی نشستند و مشغول صحبت و چای خوردن شدند. خانم خدمتگزار هم با دو ظرف بزرگ عدسی و تعدادی هم کاسه های کوچک همراه با ظرف و نان لواش به اندازه کف دست به اتاق آمد و آنها را به روی میز گذاشت.

[S Comment 16]: روابط

ما خواستیم به راهرو برویم تا دبیران راحت باشند ولی آنها به ما تعارف کردند که در کنار آنها باشیم و با آنها عدسی بخوریم. واز آنها تشکر کردیم. در هنگام خوردن عدسی یکی از دبیران نزدیک ما آمد و چند سوال درمورد دانشگاه و رشته و کارآموزی و امتحان کارشناسی از ما پرسید.

[S Comment 17]: روابط در مدرسه

[S Comment 18]: دبیران. ارتباط با کارورز

[S Comment 19]: ارتباط خاص یک دبیر با کارورز

در همان موقع که محدثه به سوالات آن دبیر پاسخ میداد دبیر هنر که مسئول مسابقه بود به من برگشت و به من هم گفت که میتوانم در مسابقه شرکت کنم.

[S Comment 20]: ارتباط خاص دبیر با کارورزان

سر صف به بچه ها جوایزی برای مسابقه ای که شرکت کرده بودند دادند و چند نفر از دبیران هم در آن مسابقه شرکت کرده بودند، اسامی آنها را خواندند و بچه ها آنها را تشویق کردند. معلم هنر که مسئول این مسابقه بود به دفتر آمد و جوایز آن دبیران را داد و مورد تشویق بقیه قرار گرفتند.

[S Comment 21]: ارتباطات دبیران با یکدیگر

بعد از رفتن دبیران به کلاس خانم خدمتگزار دوباره عدسی را گرم کرد تا مدیر و معاونین و مربی پرورشی هم عدسی بخورند. در هنگام خوردن عدسی در مورد مسائل مدرسه و کارت کتابخانه دانش آموزان صحبت کردند و بعد از صحبت هم به اتاق خود برگشتند.

[S Comment 22]: ارتباط دبیران با یکدیگر

راهروها و طبقات:

مجموعه تعداد کلاس های درس، ۱۳ تا است. که در طبقه اول ۵ کلاس درس وجود دارد. در طبقه دوم هم ۵ کلاس درس است و در طبقه سوم ۳ کلاس درس موجود است. اتاق های دیگر شامل: یک اتاق کتابخانه، یک آزمایشگاه و اتاق مشاوره، یک اتاق کامپیوتر است.

به طرف راهروها میرویم. در طبقه اول مجموعا ۱۹ پله وجود دارد. ابتدا ۹ پله و یک پاگرد و بعد ۱۰ پله که به طبقه اول میرسد. پله ها از سنگ مرمر است، ارتفاع هر پله با دیگری تقریبا ۱۳ سانت است به طول ۲ متر و عرض ۳۴ سانت است. اندازه پاگرد طبقات حدودا به طول ۲ متر و عرض ۴ متر است و کوتاه و مسطح است. دارای نرده در تمام طبقات است ولی در بعضی از قسمتهای نرده رنگش رفته بود. در پله ها تقریبا ۴، ۵ نفر میتوانند از آن تردد کنند.

در بین پاگرد طبقه اول پرچم بزرگ یاحسین وصل شده است و بر روی دیوارهای راه پله ها، عکس هایی با موضوع محرم و عاشورا وجود دارد.

در قسمت پاگرد سمت راست بالای دیوار نزدیک به سقف دوربین مدار بسته ای نصب است که قسمت از راه پله ها تصویر بر می دارد.

[S Comment 23]: نظارت

طبقه اول

جلسه دوم ۵ آذر ساعت ۷:۳۰ به مدرسه رسیدیم. اون روز، هوا سرد بود و به مناسبت روز بسیج روحانی آمده بود و در حیاط با بچه ها صحبت میکرد.

[S Comment 24]: افراد دیگر. ارتباط با دانش آموزان و دبیران

دبیران که در دفتر نشسته بودند بین آنها مسئله ای شرعی پیش آمد که آن را از پیشنهاد مدرسه شنیده بودند. مسئله درباره این بود که اگر خانم ها در هنگام نماز انگشتری که در دستشان است معلوم شود نماز باطل است و باید پوشیده شود. یکی از دبیران حتی در رساله هم دنبالش گشته بود ولی چیزی پیدا نکرده بود. آنها نظر ما را هم پرسیدند. بعد از اینکه از مدیر اجازه خواستیم به کلاس برویم برای مشاهده فرآیند آموزشی، مدیر ما را به معلم دینی خانم حسینی معرفی کرد و او هم قبول کرد.

[S Comment 25]: گفتگوهای دبیران. مسائل شرعی

وقتی همراه معلم به یکی از کلاسهای پایه هشتم رفتیم. با ورودمان به کلاس، بچه ها از جای خود بلند شدند و با صدای بلندی به معلم سلام دادن و با تعجب به ما نگاه کردند. معلم بچه ها رو ساکت کرد و ما را به تکه کلاس راهنمایی کرد.

[S Comment 26]: کارورز. رابطه با دانش آموزان

بعد از احوال پرسسی معلم با بچه ها آیه ای از قرآن که بر روی دیوار بود را معلم بلند قرائت کرد و تک تک کلمات را معنی کرد.

[S Comment 27]: روابط معلم با دانش آموزان

اسم درس نردبان آسمان بود و موضوع آن نماز بود. از بچه ها پرسید که آیا امروز غایب داریم یا نه؟ که جواب بچه ها منفی بود. درس

[S Comment 28]: چگونگی آغاز درس

با سوالی که در مورد موضوع آن بود شروع شد. معلم با پرسش درس را آغاز کرد.

وقتی معلم سوال میکرد بعضی ها سریع دستهای خود را بالا میبردند تا جواب بدهند ولی بعضی ها هم فعال نبودند و دوسه نفری هم از تکه کلاس حرف میزدند..

[S Comment 29]:

معلم توضیحی در مورد نماز خواندن و اینکه ما در چند دقیقه نماز میخوانیم که این را به صورت اعداد بر پای تخته برای بچه ها حساب کرد و نوشت. و فواید علمی نماز خواندن را گفت.

[S Comment 30]: معلم. زبان بدن

در هنگام درس دادن معلم درحال قدم زدن در کلاس بود و از حرکت دادن دست خود استفاده میکرد.

قسمتی از کتاب سخنی از پیامبر و امام علی که در مورد نماز گفته بودند را مشخص کرد که کدام قسمت آن مهم است و زیر آن را خط بکشند. وقتی روخوانی شروع شد جمله مهمی که در آن بخش بود را دوبار تکرار کرد و توضیح داد و مثالی زد و روی تخته وایت برد نوشت.

[S Comment 31]: معلم. توضیحات

[S Comment 32]: معلم. توضیحات

در حین توضیح مسئله نماز، بر روی میز زد و اسم یکی از دانش آموزان را صدا کرد تا ساکت شود. معلم از همه دانش آموزان خواست تا اقامه نماز را بخوانند

[S Comment 33]: معلم. مدیریت کلاس

وقتی به دفتر دبیران آمدیم معلم ازمون خواست تا انتقادی پیشنهادی داشتیم به او بگوییم.

[S Comment 34]: معلم. ارتباط با کارورز.

موقعی که ما سرکلاس بودیم دانشجویهای رشته ادبیات عرب چارت بندی و بخشنامه ها را از مدیر گرفته بودند. ما هم چارت را گرفتیم و یکی یکی برگه های بخشنامه را به ما دادند تا از روی آنها بنویسیم ولی ما زرنگر بودیم و نوشتن کلی وقت میگرفت پس سریع عکس گرفتیم تا به بقیه کارا برسیم.

[S Comment 35]: کارورز. شیوه کار

موقعی که میخواستیم بریم صدای مدیر رو شنیدیم که داشت با یکی از بچه ها حرف میزد و میگفت: واقعا میخوای اینطوری باشی؟ من و محدثه کنجکاو شدیم. یکی از دانش آموزان پایه هشتم، مثل اینکه مشکل انضباطی داشته و معلم ها آن را فرستاده بودن پایین و مدیر هم داشت با او حرف میزد. مادر دختر کنار او بود و او را سرزنش میکرد ولی او توجهی نداشت. مدیر اول لحنش آرام بود ولی وقتی دید دخترک توجهی به حرفایش نمیکند کمی لحنش تند شد و گفت: صبا خودت باید راحت را انتخاب کنی! میدونی چی خوبه چی بد. وقتی از جلوش رد شدیم با خنده به ما و دوستایی که کنارش بودن نگاه میکرد. مادرش از او پرسید چرا درس نخوانده و کلاس را به هم ریخته است؟ او هم به مادرش گفت: "فقط من نبودم که بقیه هم بودند."

[S Comment 21]: مدیر. دانش آموز

[S Comment 27]: مادر. دانش آموز

[S Comment 28]: مدیر. تعامل با دانش آموز

[S Comment 29]: دانش آموز مشکل دار. دوستان

[S Comment 40]: دانش آموز مشکل دار. مادر

کلاس درس :

کلاس درس مستطیل شکل است تقریباً به عرض ۴ متر و طول ۵ متر است. دارای ۳ پنجره مشرف به حیاط و آفتابگیر است. تعداد دانش آموزان آن کلاس ۳۰ نفر است و نیمکتها در سه ردیف پنج تایی قرار دارد. فاصله هر نیمکت با نیمکت کناری مناسب است طوری که تقریباً دو نفر میتوانند از آنجا رد شوند. برای هر ۲ دانش آموز یک میز اختصاص یافته است. و در تمامی کلاس ها از تابلوی وایت برد استفاده می شود که بر روی تخته سیاه نصب شده است و هنگامی که نور داخل کلاس شود ممکن است بازتاب نور داشته باشد. تمامی کلاس ها مجهز به سیستم ویدئو پروژکتور میباشد. میز معلم روبه روی در کلاس قرار دارد.

[S Comment 41]: کلاس درس. امکانات

چهارشنبه ۱۹ آذر سومین جلسه کارورزی بود. شب قبل استاد به همه ایمیل زده بودند و یادآوری کرده بود که چهارشنبه باید به مدرسه برویم.

[S Comment 42]: موقعیت بیرون از مدرسه. آنها

صبح دوباره کنار خیابون مرد کارتون خواب رو دیدم که دراز کشیده بود و از سرما خودشو مچاله کرده بود. ساعت یه ربع به هشت رسیدیم مدرسه. به خاطر سرما در حیاط صف تشکیل نشد و دعای فرج از بلندگو پخش میشد. در همان موقعیت که ما به تعاملات نگاه میکردیم بدون هیچ مقدمه ای معلم ادبیات جلو اومد و از ما خواست که به جای یکی از دبیران که نیامده، سر کلاس او برویم.

[S Comment 43]: کارورز. موقعیت پیش بینی نشده

[S Comment 44]: کارورز. نگرانی

از حرف او جا خوردم. تصور نمیکردم که نخواهم بدون حضور معلم به کلاس بروم. بالاخره من و محدثه تصمیم گرفتیم با هم به کلاس برویم. در راهرو کلی استرس داشتیم که چطور باید برخورد کنیم و چه باید بگوییم. پشت میز نشستیم. آن ساعت، کلاس درس مطالعات اجتماعی داشتند. از نماینده کلاس و یک بچه زرنگ خواستیم از بچه ها درس بپرسد. کتاب مطالعات اجتماعی را باز کردند و با هر سوال چند نفر یا یکی دو نفر دست بالا میکردند. بعضی از بچه ها هم اصلاً شرکت نمیکردند.

[S Comment 45]: کارورز. روش کار

کلاس دوم زنگ قبلش هنر داشتن. بچه ها هم مشغول کشیدن طراحی بودن. معلم ضبطی آورده بود و آهنگ مرتضی پاشایی براشون گذاشته بود. معلم هنر چند بار تاکید که از مدیر اجازه این کار را گرفته است.

[S Comment 46]: کارورز. احساسات دانش آموزان

کمی که گذشت یکی از دانش آموزا اجازه گرفت و فلشی را آورد و با فلش قبلی جابه جا کرد . در داخل فلش باز هم آهنگهای مرتضی پاشایی بود.

بچه ها داشتند وسایل هایشان را جمع میکردن و از این نیمکت به آن نیمکت میرفتند. یکی از بچه ها سن ما را پرسید.

قبل از اینکه سوالاتی شخصی دوباره پرسیده شود ، زنگ خورد و امدیم بیرون.

موقع برگشت به دانشگاه تصمیم گرفتیم با اتوبوس خط واحد که آن سمت خیابان بود برگردیم. وقتی که از خط عابریاده که در جلوی

مدرسه بود، میخواستیم عبور کنیم، دائما ماشین و تاکسی و موتور در حال رد شدند بودند و عبور از خط عابر برای ما کمی مشکل بود.

بعد از رد شدن از خط عابر به خطوط اتوبوسهای بی آر تی رسیدیم که آنجا هم دسته کمی از خیابان نداشت از دو طرف اتوبوس با

سرعت زیاد در حال رفت و آمد بودند و چشت سر آنها هم موتورسوارها با سرعت ازدو طرف می آمدند. اگر ما کمی در رد شدن از

خیابان بی احتیاطی میکردیم ممکن بود برایمان خطرآفرین باشد. بعد از کمی ایستادن بالاخره توانستیم از آنجا عبور کنیم.

[S Comment 5]: موقعیت بیرون از مدرسه.
عبور و مرور

خاطره جلسه چهارم: (۹۳/۹/۲۶)

در مسیر بین مترو و مدرسه بودیم که آن طرف خیابان تصادفی شده بود. دیدیم که یه موتوری با یه نیشان تصادف کرده و تمام بارش

که تعدادی جعبه کارتون بود ، به زمین ریخته شده بود.

دست محدثه را گرفتم تا زودتر از انجا بریم تا به مدرسه برسیم.دم در مدرسه پدری بیرون از مدرسه ایستاده بود و با آیفن تصویری

داشت با داخل صحبت میکرد.

بعد از سلام و احوال پرسى با مدیر و معاون مدرسه، از مدیر خواستیم تا کتابخانه را به ما نشان بدهد.

امروز دوباره یکی دیگر از معلم ها برای خیرات رفتگانش صبحانه ای آماده کرده بود. کم کم معلم ها به دفتر آمدند. بعد از سلام و

احوال پرسى با هم سر میز نشستند تا صبحانه بخورند.

[S Comment 8]: موقعیت بیرون از مدرسه.
عبور و مرور

[S Comment 9]: تعامل معلمان با یکدیگر

بسم الله الرحمن الرحيم

فرایند آموزش

خانم حسینی در میز اخبر برای ما جا آماده کرده بود ما به میز اخر رفتیم.

همگی : سلام علیکم ظهر شما بخیر. (دانش آموزان از جایشان بلند شدند)

معلم: سلام بچه ها، ظهربخیر. (معلم با نگاه کردن به همه دانش آموزان، جواب سلام آنها را میدهد)

معلم به دانش آموزان گفت: این خانم ها از همکارای ما هستن و این زنگ تو کلاس ما هستن. بفرمایید بشینید(ما را به نیمکت آخر

کلاس راهنمایی کرد)

معلم: خب آیه رو با همدیگه میخونیم. انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا (همگی همراه با معلم شروع به

خواندن کردند)

معلم: **خب حالا معنی میکنیم.** انما: همانا - یزید: میخواید - الله: خداوند - لیذهب: دور کند - عنکم: از شما - الرجس اهل البیت: اهل بیت پلیدی و گناه را - و یطهرکم تطهیرا: و کاملا شما را پاک سازد.

[S Comment 50]: معلم. توضیح

معلم: امروز میخوایم بقیه درس رو مرور کنیم برای امتحان. **مبطلات روزه**

[S Comment 51]: دوره برای امتحان

معلم: روزه فقط خوردن و آشامیدن نیست، بلکه روزه یعنی انسان تصمیم میگیره برای انجام دستور خدا از اذان صبح تا اذان مغرب از چند کار که به آن مبطلات روزه گفته میشود خودداری کنه. مثلا خوردن و آشامیدن.

دانش آموز ۱: خانم مثلا اگه مرض شدیم رفتیم دکتر بعضی از آمپول ها روزمونو باطل میکنه مثلا تقویتی؟

[S Comment 52]: سطح سوال. دانش آموز

معلم: آمپول های دارویی و درمانی مثل پنسیلین باطل نمیکنه ولی تقویتی مثل به کمپلس یا سروم باطل میکنه.

دانش آموز ۲: چی؟ (یکی دیگه از دانش آموزان که حرف میزد و متوجه صحبت معلم نشد دوباره پرسید)

معلم: سروم های تقویتی و غذایی. مثلا یکی بیحال شد و بره سروم بزنه روزش باطل است.

معلم: چیه حسینی؟ (انگار سوال داشت)

حسینی: هیچی خانم حل شد.

معلم: استفراغ عمدی بچه ها. **از مبطلات روزه استفراغ عمدیه.** (از روی کتاب این جمله را خواند) مثلا غیر عمد حالم بهم بخوره

[S Comment 53]: معلم. روش. توضیح

اشکال نداره باطل نیست به شرط اینکه چیزی از گلو برنگرده. ولی اگه مثلا ببخشید انگشت تو گلو بکنیم تا بالا بیاریم. این روزه را باطل میکنه.

بچه ها همگی: **ای...** (شانه اینکه از این حرف بچه ها خوششان نیامده)

[S Comment 54]: دانش آموزان. عکس العمل

معلم: یا مثلا شخصی از چیزی **حالش بد میشه مثل خون.** اگر عمدا اونو ببینه روزه اش باطله ولی اگر غیر عمد باشه باطل نیست. (

[S Comment 55]: معلم. روش. توضیح

دختری ته کلاس دستش را بالا برد تا سوالی بپرسد ولی پشیمان شد)

دانش آموز ۳: خانم ببخشید من وقتی سوار ماشین میشم میخوایم بریم شمال حالم بد میشه مثلا. قرص هایی برای حالت تهوع.

دوستش برگشت و گفت: میخوای بری شمال که روزه ات کلا باطله.

[S Comment 56]: دوستان. گفتگو

دانش آموز ۴: راست میگه.

معلم: **اگه بعد از اذان ظهر باشه روزه ات باطله** (همهمه شد)

[S Comment 57]: معلم. توضیح

معلم: هیس. بخون. خانم خانقلی بخون.

[S Comment 58]: مدیریت کلاس

خانقلی: فرو بردن غبار یا دود غلیظ به حلق. روزه دار نباید غبار یا دود غلیظ به حلق خود برساند...

معلم: اگر غیر عمد باشه مثلا ماشینی یا موتوری از کنار رد میشه دود میره تو گلو. **اگه عمدا باشه مثلا کشیدن سیگار یا قلیون روزه**

رو باطل میکنه. یا مثلا آدم مردم آزاری قلیون میکشه و میدونه شما روزه ای فوت میکنه تو صورتت و این غیر عمد و اشکال نداره. (

[S Comment 59]: معلم. روش. توضیح

بچه ها خندیدن)

معلم: سوالش رو بخون.

خانقلی: در تمام مواردی که گفته شد در صورتی باعث باطل شدن روزه میشود که شخص روزه دار عمدا (دانش آموز از روی کتاب

ادامه مطلب را میخواند).

[S Comment 160]: معلم روش. تاکید

معلم: (دوباره تاکید کرد) عمدا بچه ها این خیلی مهمه. بعضی ها فکر میکنند تو روزه های واجب اینجوریه ولی تو روزه های مستحب هم هیچ فرقی نمیکنه. مثلا به دفعه شیرجه زدی تو استخر به هو یادت اومد که روزه بودی اشکال نداره حتی اگه مستحب هم باشه چون یادت نبود اشکال نداره. ولی چه واجب و چه مستحب اگر عمدا انجام بدهد روزه ات باطله. دانش آموز 5: یعنی مثلا اگه روزه باشی یکی هلت بده؟ معلم: هل دادن یعنی؟ همگی: غیر عمده.

[S Comment 161]: معلم. روش. توضیح

معلم: در رساله توضیح المسائل امام نوشته شده که اگر مومنی به شما تعارف کرد و شما افطار کردید با این کار هم دل مومن رو شاد کردید و هم اینکه نیت روزه داشتید، روزتون هم حساب میشه. معلم: خب بخون خانومم. (خطاب به خانم)

خانمقی شروع به ادامه مطلب کرد: ولی اگر روزه دار فراموش کند که...

معلم: هیچ اشاره ای به مستحب یا واجب بودن نکرده. اگر عمدی باشه باطله خب... (یعنی ادامه رو بخوان) دانش آموز 6 که نیمکت وسطی نشسته بود بلند گفت: چه ربطی داره. معلم: ربط داره دیگه.

[S Comment 162]: معلم. روش. توضیح

خانمقی: خودت را امتحان کن. 1- توضیح دهید چگونه روزه گرفتن باعث توجه بیشتر مردم به فقرا و مستمندان میشود.

معلم: چرا روزه گرفتن باعث توجه به فقرا و مستمندان میشود؟ (همه شد)

دانش آموز 7: خانم ما بگیم ما بخونیم. صفحه 61 سخن امام صادق(ع) (معلم دوباره این را بلند گفت)

دانش آموز 8: خانم سوال بعدی چی میشه؟

معلم: چهار مورد از مبطلات روزه؟

[S Comment 163]: نوع سوالات. سطح دانش. اطلاعات واقعی

دانش آموز 9: خوردن و آشامیدن فرو بردن سر در آب و... (بلند شد و بدون نگاه به کتاب گفت)

معلم: شماره سه. اگه کسی در ماه رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات را انجام دهد روزه اش چه حکمی دارد؟ همگی: باطل نمیشه.

معلم: سوال چهارم. آیا شنا کردن در آب روزه را باطل میکند؟

دانش آموز 10: اگه سر رو داخل آب فرو کنی....

معلم: توضیحشو دیگه همه بلدید.

دانش آموز 7: خانم صفحه 61 رو هم بخونید.

معلم: چه ارتباطی بین مثال درختان و روزه داری است؟

کلاته: من بگم؟

[S Comment 164]: معلم. مدیریت کلاس

معلم: هی میگی من بگم داد نزن. باید حتما دست بالا کنی.

معلم: خب اینجا هم نمود شد. تو کلاس های دیگه یک دور و نصفی کتاب رو دوره کردیم ولی اینجا چون زنگ آخر مثل شوراها و

مسابقه همینجور ساعت ها کوتاه شده ولی حالا برای اینکه جبران برای کسانی که نمره هاشون مشکل داره

[S Comment 165]: معلم. نمره

[S Comment 16]: دانش آموز. نمره

دانش آموز ۶: خانم میشه نمره ها رو بگید؟ (با این حرف بچه ها همگی گفتن نه)

[S Comment 17]: معلم. روش

معلم: هر کسی خودش میدونه چه نمره ای داره. میخوام کاری که تو کلاسهای دیگه انجام دادیم ، انجام میدیم ما مسابقه گذاشتیم.

شما سه گروهید. هدف از مسابقه دوره ی درسه. هر سوالی رو که مطرح میکنم از هر گروهی افراد اون گروه هم حق مشورت دارن هم

حق نگاه کردن به کتاب (با این حرف دانش آموز ۱۰ دست زد ولی سریع دستش را پایین آورد)

معلم: هیچی نگو بزار حرف من تموم شه وقت نداریم(خطاب به دانش آموز ۱۱ که دست زد)

[S Comment 18]: معلم. تاکید

معلم: وقتی دست بلند کردی باید بگی. اما هدف رو یادتون نره هدف دوره و یادگیریه اگه کسی اشتباه جواب داد حمله نمیکنید سرش

که چرا غلط جواب دادی با اینکه من مثبت منفی میگذارم.

دانش آموز ۱۱: یعنی اگر غلط جواب بدیم منفی میذارید؟

[S Comment 19]: دانش آموز. نمره منفی

معلم: آره ولی اینا هیچ جا حساب نیست فقط برای اینه که انگیزه باشه(همه شد)

[S Comment 20]: معلم. مدیریت کلاس

معلم: فقط هدف دوره کردنه (به میز زد تا بچه ها ساکت شوند) هر گروه فقط به بار جواب میده تا زمانی که همه گروه جواب بدن.

[S Comment 21]: معلم. مدیریت کلاس

دانش آموزان ۱۲: عین مسابقه های تلویزیونی.

معلم: آره.

دانش آموز ۱۳: خانم زنگ نماز بریم. آخه ما که دوره نکردیم.

معلم: سوالی که از این گروه میکنم دیگه تکرار نمیشه و از گروه بعدی میپرسم.

- چشم.

[S Comment 22]: نوع سوالات. دانش

معلم: گوش کنید گروه ۱ چهار فضیلت ماه مبارک رمضان؟

گروه ۱ دانش آموز ۱: خواب عبادته، نفس ما تسبیحه...

معلم: گروه دو منظور از نیت در روزه چیه؟

دانش آموز ۲: تا قبل اذان ظهر... (چند نفر دست بلند کردن تا جواب دهند و در جواب دادن این سوال در چند قسمتی هم بقیه هم

گروهی ها کمک میکردند تا جواب دادن دست زدن)

معلم: یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام... با توجه به این آیه مهمترین فایده روزه گرفتن چیه و منظور کما کتب علی الذین.. چیه؟

معلم: بگو جورجیان(بقیه دست پایین انداختن)

معلم: پیامبر در مورد روزه چه فرمودند؟

دانش آموز ۳: میز جلویی گروه اول: من (دو بار گفت) (جواب نداد و منفی گرفت)

[S Comment 23]: نمره منفی

دانش آموز ۴: خانم ما بگیم(گروه دوم) (اشتباه گفت و منفی گرفت از گروه سوم جواب داد و مثبت گرفت)

معلم: فرق احکام با واجبات نماز؟(دوبار تکرار کرد)

رجبیا: آداب نماز مستحبه... (رجبیا بلند شد و در آخر دست زدند)

معلم: از این به بعد اگر دست بزنی منفی میگیرید.

معلم: اهمیت اذان برای چیه؟(دوبار تکرار کرد)

معلم: اونهایی که از این گروه نگفتن. (دانش آموز ۱۴ هم رفت جلو تا با دوستش چک کند)

معلم: آداب نماز خواندن؟

دانش آموز ۱۴: خانم زیاده. (همه‌شده و بچه‌ها دنباله پیدا کردن جواب بودن)

دانش آموز ۱۵: گفتن اذان و اقامه قبل از نماز... (دختری که در ته کلاس نیمکت وسط بود از جای خود بلند شده بود و با هر سوالی

دنباله جواب میگشت. گروه دوم اشتباه گفت و جواب درست را گروه سوم داد)

دانش آموز ۱۳: خانم دست زد منفی بدید. (با هیجان بلند شد)

- من کی دست زدم؟ تو دست زدی ما منفی بگیریم (بغل دستش از گروه سوم گفت)

معلم: هیس. بفرمایید حضرت علی در مورد نماز چه فرمودند؟ (دوبار تکرار)

دانش آموز ۱۶: کسی که اذان و اقامه بگوید و به نماز بایستد... (جواب را نصفه گفت و معلم یکبار دیگر جواب کامل را گفت)

- خانم ضرب در بدید.

معلم: پیامبر در مورد نماز چه فرمودند؟

دانش آموز ۱۷: هر کسی نماز بخواند مثل آبی می ماند که... (نصفه جواب داد)

معلم: چرا؟ (از همان دانش آموز ۱۹ پرسید)

دانش آموز ۱۷: مثل آبی که از ... : (با دادن جواب بچه‌های گروه تک دستی زدن)

معلم: فقط دست نیست کمونه. (معلم به کمونه که حرف میزد این را گفت)

دانش آموز ۱۴: کمونه الان گروه منفی میگیره.

معلم: یکی اول ردیف یکی هم آخر ردیف. (حرف میزدند)

معلم: گروه اول انتخاب علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر توسط چه کسی انجام شد و اگر انتخاب نمیشد چه کسی لیاقت

داشت؟ (دوبار)

دانش آموز ۱۸: خانم چه درسیه؟ (بچه‌های گروه اول دنباله جواب بودند و گروه دوم هم همه دنباله جواب بودند. دو نفر که در میز

جلوی ما نشسته بودند تلاشی برای جواب دادن نمیکردند)

دانش آموز ۱۹: خدا بود.

معلم: چرا؟

دانش آموز ۱۹: چون حدیث از طرف خدا بود... (جواب اشتباه بود)

دانش آموز ۱۱: خانم میشه یه بار دیگه سوال رو بگید؟

معلم: سوال دیگه تکرار نمیشه (همه‌شده چند نفر بلند شدن از جایشان چون معلم میخواست منفی بزاره)

دانش آموز ۲۰: خانم منفی چرا گذاشتید؟

معلم: چون جواب ندادید. (بعد جواب کامل را داد) به جای اینکه منفی مثبتا رو بشماری جواب رو گوش کن تو امتحان میاد. (همه‌شده

شد)

معلم: هیس گوش کنید. گروه سوم. اولاً ماجرای غدیر را چه کسانی نقل کردند دوم پیامبر حضرت علی را چگونه معرفی کردند؟

دانش آموز ۲۱: خانم میشه مشورت کنیم؟

[S Comment ۷۴]: ارتباط دانش آموزان. نمره منفی

[S Comment ۷۰]: ارتباط دانش آموزان. نمره منفی

[S Comment ۷۱]: دانش آموز. نمره

[S Comment ۷۷]: سطح سوالات. دانش.

[S Comment ۷۸]: معلم. تاکید بر امتحان

دانش آموز ۲۲: هر کس من ولی و سرپرست او هستم علی مولا و سرپرست اوست... (دانش آموز ۲۵ از میز جلو بلند شد و با صدای

بلند جواب را به دوستش که بلد نبود گفت تا او هم جواب دهد)

معلم: بشین کلاته. (از جاش بلند شده بود) (بچه ها دست زدند)

دانش آموز ۲۳: خانم دست زدند. (همه شد معلم برگشت و با لیخند نگاهشون کرد)

معلم: نگرانی پیامبر از حجه الوداع؟ (دوبار سوال را تکرار کرد)

دانش آموز ۲۴: خانم جواب کجاست؟

معلم: نمیدونی؟ اگه میدونی به اونا بگو. (معلم به دانش آموز ۲۳ که میز وسط نشسته بود گفت)

معلم: شما شما. (معلم با دست به دانش آموزانی که جواب نداده بودند اشاره کرد تا جواب دهند)

دانش آموز ۲۵: خانم به بار دیگه سوال را بخونید.

دانش آموز ۲۶: از سر لجاجت ولایت حضرت علی را قبول نکنند (در آخر جواب، کلمه ای را یادش رفت و بچه ها خندیدند) عده

ای از مردم از سر لجاجت از دستور خدا سرپیچی کنند و همراه شوند (معلم جواب را کامل گفت)

معلم: مهرآور بشین خانمم. کشتی منو تو! (به مهرآور نگاه کرد و به میز زد)

معلم: آیا ممکن است پیامبر جامعه پس از خودشون را بدون رهبر رها کرده باشن؟

دانش آموز ۲۶: خانم به بار دیگه بگین.

معلم: نگفتی بگو تو. (خطاب به دانش آموزی که از تا حالا جواب نداده)

دانش آموز ۲۷: پیامبر هر کجا که میخواستن برن مثلا در جنگها کسی رو انتخاب میکردند... (معلم دوباره جواب را تکرار کرد)

دانش آموز ۲۴: دست نزنید دست نزنید! (یکی از بچه ها به همگروهی های خود گفت)

معلم: یه مثبت به این گروه میدم به خاطر اینکه خیلی رعایت نظم رو کردند.

دانش آموز ۱۶: خانم قبول نیست (بچه ها اعتراض کردن)

معلم: اولین معلم قرآن چه کسی بود و چرا؟

گروه دوم دانش آموز ۲۸: خانم پیامبر اکرم بود. (دختر با هیجان جواب رو پیدا کرد و دست بلند کرد)

معلم: کلاته؟؟ ساکت دیگه. کتاب رو بزار زمین جواب بده (خطاب به دانش آموز ۲۸ که میخواست جواب بدهد)

دانش آموز ۲۸: پیامبر اکرم برای اینکه میدونست قرآن در چه زمان و چه مکان نازل شده است.

معلم: چی رو بلد بود؟

دانش آموز ۲۸: آیه ها و معانی تفسیر آیه ها... (معلم از اون پرسید تا جواب آخر را بگوید)

بچه ها ی گروه دو: خانم ضربدر چرا؟

معلم: حدیث ثقلین را بفرمایید؟

گروه سوم: خانم حدیث ثقلین کجا بود؟ (دانش آموز ۲۵ که در جلوی میز نشسته بود به بقیه گفت تا بگویند و مثبت بگیرند)

دانش آموز ۳۰: من از میان شما میروم و دو چیز گرانبها را میان شما میگذارم تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد...

[S 79 Comment]: معلم. مدیریت کلاس

[S 80 Comment]: معلم. مدیریت کلاس

[S 81 Comment]: معلم. مدیریت کلاس

[S 82 Comment]: دانش آموزان. مدیریت کلاس

[S 82 Comment]: معلم. مدیریت کلاس

دانش آموز ۳۰: خانم مثبت بدید دیگه. (دانش آموزان گروه یک برگشتند و به دو دختری که میز یکی مونده به آخری نشسته بود گفتند: بدو دیگه فقط تو موندی زود جواب بده. بعد یکی از دوستانش به کنار دانش آموز ۳۱ آمد تا جواب را پیدا کنند تا او هم جواب دهند) معلم: بچه ها هدف مسابقه یادتون نره . داریم دوره میکنیم.

[S Comment ۸]: معلم تاکید بر مسابقه

معلم: پیامبر برای هدایت مردم چه برنامه ای داشت؟
دانش آموز ۳۱: تربیت معلمان ویژه... (دانش آموز ۳۱ با کمک دوستش دانش آموز ۱۹ که پیش او نشسته بود جواب را با هم پیدا کردند و او هم در آخر جواب داد.) (دانش آموز ۳۱ آخرین نفر بود که جواب داد)
معلم: بنا به فرموده امام صادق (ع)؟
- خانم ما بگیم؟ (حسینی بلند شد) (بقیه بچه ها دنبال جواب بودند)
معلم: گفتی یه بار.

معلم: ولایت محمد و آل محمد. (خود معلم جواب را داد). (زنگ خورد و بچه ها با یک صلوات بلند شدند تا وسایلهایشان را جمع کنند)

معلم: درسها رو خوب بخونید واسه امتحان. (در آخر که بچه ها داشتند میرفتند بلند گفت)

[S Comment ۸]: معلم. تاکید بر امتحان

| بازنویسی مجدد و بیان دوباره رونوشت | |
|------------------------------------|--|
| بیان دوباره از سوی محقق | بازنویسی |
| موقعیت بیرون مدرسه. آدم‌ها | <p>بیرون از مترو در گوشه خیابان مردی کارتون خواب را دیدم که گوشه خیابان خوابیده بود و یکی دیگر هم کنارش بود که در حالت نشسته خوابیده بود.</p> <p>بافت خیابان مولوی قدیمی است و مغازه های اکثر اونجا مربوط به مواد غذایی و خشکبار میشن. آنجا بازار خوارو بارفروشی است که محل تردد کارگرها است. کسی که بخواد از ضلع غربی به آن سمت خیابان بیاید ، باید از خیابان دو طرفه عبور کند. خط عابرپیاده در جلوی مدرسه کشیده شده است. ماشین ها و خطوط اتوبوس های بی آر تی و موتورسوارها با سرعت زیاد از دو طرف می آیند.</p> <p>بعد از اینکه مدیر را دیدیم. او معرفی نامه و کارت شناسایی مان را دید و توضیح دادیم که برای کارآموزی آمدیم .او هم با لبخند ما را به سمت دفتر دبیران راهنمایی کرد. از مدیر اجازه خواستیم تا از مدرسه عکس بگیریم و او جوابش مثبت بود.</p> <p>من و محدثه با وجود استرسی که داشتیم به دفتر دبیران رفتیم. دبیران با رفتار خوب و احترام با ما برخورد کردند طوری که به من احساس آرامش دست داد. تقریبا همه دبیران آمده بودند و پشت میزها نشسته بودند و با همدیگر حرف میزدند. یکی از دبیران وقتی وارد دفتر شد با همه دست داد و سلام و احوال پرسى کرد حتی با ما هم دست داد و صبح بخیر گفت. دبیر هنر روحیه ی خیلی شادی داشت.</p> <p>.....</p> |
| موقعیت بیرون مدرسه، مغازه ها | |
| موقعیت بیرون مدرسه. | |
| وضعیت عبور و مرور | |
| مدیر مدرسه. تعامل با کارورز | |
| مدیر مدرسه. همکاری با کارورز | |
| احساسات کارورز در روز اول | |
| دبیران. تعامل با کارورز | |
| ارتباط خاص یک دبیر با سایر دبیران | |

| کدهای انتخابی برای مطالعه | نیاز به تکمیل اطلاعات(کفایت داده ها) | مضامین | عناوین برای دسته ها و زیر شاخه ها(کدهای محوری) | موارد مربوط (بازنگری و ویرایش) | فهرست اولیه عناوین |
|------------------------------|---|--|---|--------------------------------------|--------------------------------|
| | | امنیت مدرسه | موقعیت بیرونی | ۵۱/۴/۳/۲/۱ ۵۲ | موقعیت بیرونی مدرسه |
| | | ارتباطات کارورز با افراد در مدرسه | تعامل | ۶/۵ | تعامل مدیر با کارورز |
| | | | | ۸ | تعامل دبیران با کارورز |
| | | | | | تعامل دانش آموزان با کارورز |
| | | | | ۳۸/۲۰/۱۹/۱۰ | ارتباط افراد خاص با کارورز |
| | | احساسات و نگرانی های کارورز | احساسات | ۴۸/۹/۷ | احساسات و نگرانی های کارورز |
| | | موقعیت فیزیکی | موقعیت فیزیکی | ۱۳ | بوفه. نحوه ارتباط |
| | | | | ۱۴ | سرویس بهداشتی |
| | | تشویق با انگیزه بیرونی | تشویق | ۱۵ | شیوه های تشویق |
| | | تعامل همکاران(جو) روابط غیر رسمی) | تعامل | ۲۲/۲۱/۱۷/۱۶ ۵۳/ | تعامل دبیران با یکدیگر |
| | | امنیت درونی مدرسه | نظارت | ۲۵ | نظارت |
| | | | | | |
| | | مرور برای امتحان(نحوه مرور) | مرور | ۵۵/۳۵ | سوالات . دوره . معلم |
| | | صداهاى مهم معلم: نمره، امتحان | تاکید معلم | ۸۸/۸۲/۶۴/۳۶ ۸۹/ | تاکید معلم |
| | | همه‌همه و بی نظمی(مدیریت کلاس)(جو کلاس) | مدیریت کلاس | ۶۸/۶۲/۳۷ ۸۵/۸۴/۷۵/۷۴ ۸۶/۸۷/ | مدیریت کلاس |
| | | (مسائل تاثیر گذار اجتماعی) | احساسات دانش آموزان | ۵۰ | فوت مرتضی پاشایی |
| | | روش سخنرانی | روش | ۶۳/۶۱/۵۹/۵۴ | توضیح معلم |
| | | سطح سوالات | سطح سوالات | ۸۱/۷۶/۶۷ | سوالات معلم |
| | | انگیزه بیرونی | گفتنمان نمره | ۷۹/۷۸/۷۷/۷۳ | نمره منفی |

الگوی تحلیل محتوا ارائه شده در کارورزی ۱

